زیر آسمان فیروزه‌ای

بازیگر پیشکسوت، سکته کرد

«بهزاد فراهانی» در اتاق عمل

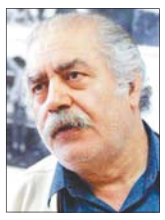

● بهزاد فراهانی، بازیگر پیشکسوت سینما، تئاتر و تلویزیون حین تمرین بازی در یک نمایش رادیویی، دچار عارضه قلبی شد. بهزاد فراهانی روز پنجشنبه، ۱۳آذر سر صحنه تمرین یک‌نمایش رادیویی دچار حمله قلبی شده و با اورژانس به بیمارستان فیروزگر انتقال یافت. صادق زنگنه، مدیر روابط‌عمومی مرکز هنرهای نمایشی رادیو و رادیونمایش در مورد وضعیت فراهانی به ایسنا گفت: «تشخیص پزشکان این بود که یکی از رگ‌های قلب آقای فراهانی گرفته است و ایشان حتما باید عمل شوند. این هنرمند قدیمی، عصر روز پنجشنبه مورد عمل جراحی قرار گرفت و از صبح روز جمعه - ۱۴آذر- به بخش سی‌سی‌یو منتقل شده است و در حال حاضر هم تحت‌نظر پزشکان به‌سر می‌برد.»زنگنه حال عمومی بهزاد فراهانی را رضایتبخش توصیف کرد.

شرف‌الدین خطاب به شجریان:

نشان «شوالیه» را پس دهید

● **شرق:** روز گذشته، محمدرضا شرف‌الدین، مدیرعامل «انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس» در نامه‌ای خطاب به شجریان گفته است: «هنرمند عزیز وطنم، جناب آقای شجریان، دولت‌مردانی که شما از آنها سپاسگزاری نموده‌اید در سی‌واندی‌سال پیش تاکنون در مقابل ملت شریف، نجیب و مظلوم ایران، تمام‌قد ایستاده‌اند تا جایی که فرانسه را به دشمن تمام‌عیار ملت ایران تبدیل کرده‌اند.

شرف‌الدین تاکید کرده است: «مطمئنم اگر لختی تامل کنید نامه‌ای به آقای وزیر امورخارجه فرانسه خواهید نوشت و شاید نشان افسری «شوالیه» را که به شما اهدا کرده‌اند برایشان پس خواهید فرستاد و به آنها خواهید گفت که هرگز لقب استادی را که ملت ایران به شما ارزانی داشته است، به نشان سخیف و ارتجاعی قرون‌وسطایی که سمبل مسلمان‌کشی است تنزل نخواهید داد.

من مطمئنم که آنها؛ آن نشان سبزرنگ را به لباس شما آویختند، نه به سینه شما، سینه شما پر از عشق ایران، سرای امید است.»

ادامه از صفحه اول

«مذاکرات» و درک جدید از اولویت‌های علم و فناوری

انرژی به‌طور قطع یکی از اولویت‌های مطلق جهان است و تامین آن در آینده برای همه کشورها حیاتی است. ایران، علاوه بر انرژی فسیلی، منبع عمده انرژی خورشیدی است، با نیروی انسانی علمی و فنی لازم برای تولید بهینه و توزیع و صادرات آن. ایران باید هرچه زودتر در همه زمینه‌های مرتبط با این انرژی پاک هزینه کند. برخلاف انرژی هسته‌ای، رشد و توسعه دانش‌های بنیادی در این زمینه و نیز فناوری‌های لازم آن نه‌تنها مشکلی سیاسی در سطح بین‌الملل برای ما ایجاد نمی‌کند بلکه تحسین جهانی همراه با کمک‌های علمی، فناوری و سرمایه‌ای به دنبال خواهد داشت و همه خانواده‌های ایرانی را در تولید و فروش آن مشارکت خواهد داد و مانند قالیبافی به صنعتی ملی بدل خواهد شد و هر خانواده‌ای مولد و فروشنده انرژی! صادرات وسیع این انرژی، علاوه بر ثروت، قدرت نرم و سخت ما را نیز افزایش خواهد داد. وقت آن است که چرخش بینشی در ما ایجاد شود، حق و قدرت و منافع ملی را با توجه به دستاوردهای ۳۵ساله انقلاب و دستاورد بی‌بدیل مذاکرات دوباره تعریف کنیم. در کنار توجه به ویژگی‌های «بوم‌زاد»، برای ویژگی‌های کارشناسی در دنیای مدرن ارزش قایل شویم و نگذاریم با پول‌های کلان آسان‌یاب در سیستم اداری، کارشناسی و علم را نادیده بگیرند و نسل‌هایی را تباه کنند. اگر فقط همین دستاورد مذاکرات هسته‌ای باشد؛ برنده ایران است.

بسترهای جهش فساد اقتصادی

در چنین شرایطی، حتی اگر رییس دولت قبل شخصا در شرایط ایجاد شده که هرروز گوشه‌ای از آن افشا می‌شود، دخالت نداشته اما حتما می‌تواند اطلاعات ذی‌قیمتی درباره تقصیر یا قصور معاونان، وزرا و مسوولان ارشد دولت گذشته به دستگاه قضایی ارایه دهد. ایجاد شایبه مصونیت برای مقامات ارشد دولتی به هر دلیلی، می‌تواند فساد را نهادینه کند و امنیت روانی برای متخلفان پدید آورد که پیامدهای مخرب چنین روندی، اساسا قابل کنترل نخواهد بود.

حافظ ناظری: پای سیاست وسط آمد

دست ایران، باز هم از «گرمی» کوتاه ماند

سم اسمیت، یکی از نامزدهای جایزه گرمی

نیما توسلی: دسامبر، ماه انتظار موسیقیدانان و خوانندگان است. هرسال در روزهای آغاز این ماه اسامی نامزدهای مهم‌ترین رقابت موسیقی جهان، «گرمی»، اعلام می‌شود. نامزدی در این رقابت، موسیقیدانان را یک‌پله به دریافت «گرامافون طلایی» نزدیک می‌کند؛ گرامافونی که حکم «مجسمه طلایی اسکار»را برای اهالی موسیقی دارد. موسیقیدانان ایران هم طی سال‌های گذشته در این بیم‌وامید سهیم بوده‌اند. البته با وجود چندبار نامزدی در این رقابت، هنوز هیچ موسیقی ایرانی‌ای موفق به بوسه‌زدن بر این گرامافون نشده. امسال هم برخی گمانه‌زنی‌ها از نامزدی آلبوم «ناگفته» حافظ ناظری در این رقابت حکایت داشت؛ هرچند با اعلام اسامی نامزدها در ساعات پایانی پنجم‌دسامبر، شانس یک ایرانی دیگر برای نزدیک‌شدن به این جایزه از دست رفت. حافظ ناظری در واکنش به این مساله در صفحه شخصی خود در «اینستاگرام» نوشت: «امروز احساسی درونم مُرد. تا آنجا که به موسیقی و رای هنرمندان مربوط بود، باافتخار و بالاترین تعداد در هفت‌شاخه یکه تاز بودیم، ولی آنجایی که سیاست وسط آمد، همه را به‌عنوان یک ایرانی باختیم. واقعا متاسفم و بسیاربسیار شرمنده این‌همه عشق، محبت و اعتقاد شما عزیزانم شدم.» ناظری در این نوشته کوتاه، به‌طور ضمنی از قرارگرفتن فضای داوری «گرمی» زیر سایه سیاست انتقاد کرده است. امسال در گرمی «بیانسه» با نامزدی در پنج‌رشته به چهل‌وهفتمین‌نامزدی خود در این رقابت رسید و به این ترتیب رکورد دالی پارتون ۶۸ساله را شکست؛ خواننده مطرح موسیقی کانتری که تاکنون ۴۶بار نامزد گرمی شده است. بنابر گزارش شبکه تلویزیونی «سی‌بی‌اس» در کنار «بیانسه» و «ایگی آزالیا»، «سم اسمیت»، «تیلور سوییفت» و «کیتی پری» نام‌های پرتکرار گرمی امسال هستند. «سم اسمیت» با آلبوم «در ساعت تنهایی» نامزد بخش بهترین آلبوم سال شده. «فارل ویلیامز»، «بیانسه»، «بک» و «اد شیرن» رقبای او در این بخش هستند. نام این خواننده همچنین در بخش‌های ترانه برگزیده سال، بهترین رکورد سال، بهترین هنرمند نوپا، بهترین اجرای سولوی پاپ و بهترین آلبوم باکلام پاپ به‌چشم می‌خورد. اما نامزدهای بهترین اجرای سال، «ایگی آزالیا»، «سام اسمیت»، «سیا»، «تیلور سوییفت» و «مگان ترنر» هستند و بنابراین «سام اسمیت» تنها نامزد مرد دریافت این جایزه مهم گرمی محسوب می‌شود. آلبوم سال را از بین «بک»، «بیانسه»، «اد شیرن»، «سام اسمیت»، «فارل ویلیامز» و آهنگ سال را یک نفر از بین «کوین کادیش و مگان ترینر»، «سیا فرلر»، «مکس مارتین، شل‌بک و تیلور سوییفت»، «سام اسمیت»، یا «اندرو هوزیربین» دریافت خواهد کرد. «گرمی» امسال پنج‌چهره را به‌عنوان خواننده‌های بزرگ جدید معرفی کرده که جایزه سال به «ایگی آزالیا»، «باستیل»، «برندی کلارک»، «هایم»، «سام اسمیت» یا «دامین جونز» تعلق پیدا خواهد کرد. در «گرمی» امسال، بیشترین نامزدهای کسب جوایز را «سام اسمیت»، «بیانسه»، و«فارل ویلیامز» با شش‌شانس دریافت جایزه به‌خود اختصاص داده‌اند. پس از آن، «ایگی آزالیا»، «سیا»، «بک»، «میراندا لمبرت»، «آشر»، «اریک چرچ»، «دریک» و «جی زد »با نامزدی در چهاربخش، حضور دارند. «بلک کیز»، «تیلور سوییفت»، «کلدپلی»، «ادشیرن»، «کریس براون»، «امینم»، «جک وایت» و «جین آیکو» نیز هریک، سه‌شانس دریافت جایزه را دارند. مراسم اهدای جوایز جایزه «گرمی» ۱۲فوریه سال۲۰۱۵ برگزار خواهد شد.

رونمایی از کتاب گفت‌وگوهای سینمایی «بهشتی»

مدیری که گذشته‌اش را «ویرایش» نکرد

عکس: همت خانی

شرق: کتاب «گفت‌وگوهای سینمایی دهه۶۰ سیدمحمد بهشتی» عصر روز جمعه ۱۴آذرماه در فرهنگستان هنر رونمایی شد. سینمای موسوم به دهه۶۰، از جمله پدیده‌های فرهنگی در تاریخ بعد از پیروزی انقلاب اسلامی است که مثلث سیدمحمد بهشتی، فخرالدین انوار و محمدمهدی دادگو به‌عنوان معماران آن دوره مطرح هستند. سیدمحمد بهشتی با چاپ کتاب گفت‌وگوهایش فرصتی فراهم آورد تا بخش مهمی از تاریخ سینمای ایران بازخوانی شود. این کتاب به همت محمود ارژمند و محمدعلی حیدری به چاپ رسید. در این مراسم محمدرضا عارف، احمد مسجدجامعی، فخرالدین انوار، سیدمحمدمهدی طباطبایی‌نژاد، علیرضا رضاداد، جعفر صانعی‌مقدم و جمعی از سینماگران از جمله خسرو سینایی، نظام‌الدین کیایی، رخشان بنی‌اعتماد، جهانگیر کوثری، محمد آلادپوش، داریوش فرهنگ، علیرضا زرین‌دست، فرشته طائرپور، ابراهیم حاتمی‌کیا، منوچهر شاهسواری، محمدرضا اصلانی، هوشنگ گلمکانی، احمد محیط‌طباطبایی، شادمهر راستین، خسرو دهقان، هارون یشایایی و... حضور داشتند. رخشان بنی‌اعتماد در این مراسم گفت: «آقای مهندس بهشتی در چاپ این کتاب اجازه هیچ حذف و تغییری را به نویسندگان نداد. هرچند بازگویی بخش‌هایی از این گفت‌وگوها می‌تواند مورد نقد قرار گیرد، اما اهمیت آن ثبت در تاریخ است.»بنی‌اعتماد عنوان کرد: «دوران دهه۶۰ دوران سختی بود؛ چه به‌لحاظ سخت‌افزاری و چه به‌لحاظ نرم‌افزاری. با این حال با وجود تمام اختلاف‌نظرها وصلت داشتیم. یعنی دعوا داشتیم اما هدف مشترکی برای همه ما وجود داشت.» در ادامه سعید عقیقی، منتقد سینما، درباره انتشار این کتاب گفت: «وقتی این مصاحبه‌ها را به‌عنوان یک مجموعه در کنار یکدیگر می‌خوانیم، متوجه می‌شویم که بخش قابل‌توجهی از گفت‌وگوها مدیریت فرهنگی را مورد پرسش قرار نداده است و بیشتر مغالطه جزء به کل است. اما ویژگی اصلی این کتاب این است که متوجه می‌شوید سیستمی شکل گرفته که اهداف مدیریتی مشخص داشته و قرار بوده در یک دوره‌ای به این اهداف برسد، اما از میانه راه جریان تغییر کرده است.» این منتقد سینما ادامه داد: «در کمال حیرت می‌بینیم چیزی به اسم دهه۷۰ به‌عنوان «دهه فرهنگی» و دهه۸۰ به‌عنوان «پیگیری فرهنگی» نداریم و معلوم نیست وقتی به‌لحاظ تقویمی چنین دورانی وجود دارد، چرا به شکل تاریخی وجود ندارد؟» قرار بود در این مراسم محمود ارژمند هم به‌عنوان مولف کتاب حضور داشته باشد که حضور نداشت و محمدعلی حیدری، دیگر مولف کتاب، متنی را از سوی او قرائت کرد. در بخشی از این متن آمده است: کمتر گزارش یا تحلیلی وجود دارد که خالی از حب‌وبغض یا جهل، تصویری کمابیش مطابق با واقع از آن دوره به دست دهد. به‌ویژه در سال‌های اخیر به‌نظر می‌رسد به‌تعمد بخش‌هایی از این تاریخ مغفول مانده است و بدون پرداختن به آن (حتی در مقیاس اشاره به نام مدیران یا تشریح سیاست‌های مربوط) می‌کوشند به سینمای کنونی بپردازند؛ گویی یک حادثه یا پدیده تاریخی می‌تواند بدون ریشه‌ها و مبانی شکل‌گیری‌اش تحلیل شود. هنوز نزد اغلب اهالی سینما، تصور مشخص و واحدی از مساله سیاست‌های سینمایی یا سیاستگذاری سینمایی این سال‌ها وجود ندارد. درحالی‌که به‌زعم بسیاری از موافقان و مخالفان، مهم‌ترین دوره سینمای پس از انقلاب، دهه۶۰ است و بیشترین بحث‌های مربوط به این سال‌ها راجع به چیزی به نام «سیاست‌های سینمایی» یا «سیاستگذاران سینمایی» است!»

خبرسازان

حمله به مستند «چنارستان»

دردسر چنارهای ولیعصر برای «سینماحقیقت»

● مستند «چنارستان» به کارگردانی هادی آفریده از جمله فیلم‌های مطرح جشنواره سینماحقیقت است که با استقبال مخاطبان روبه‌رو و در پنج بخش ملی نامزد دریافت جایزه شده است. فیلم درباره درختان چنار خیابان ولیعصر تهران است که به ماجرای پیدایش آنها از آغاز تا امروز می‌پردازد. فیلمساز در واکاوی خود به حوادث و شخصیت‌های تاریخی هم به‌دور از قضاوت می‌پردازد. اما برخی‌ها فیلم را به جانبداری از رژیم پهلوی متهم کرده‌اند؛ درحالی‌که از نگاه موافقان، این فیلم فارق از هر بحثی درباره وجوه محتوایی و شکلی آن، حقیقت تلخ بخش کوچکی از سازه‌های مربوط به میراث تاریخی تهران یعنی خیابان ۱۷کیلومتری «ولیعصر (عج)» را به نمایش گذاشته. با این حال حملات برخی رسانه‌های اصولگرا به نمایش «چنارستان» در هشتمین جشنواره سینماحقیقت واکنش محمدمهدی طباطبایی‌نژاد، دبیر جشنواره را در پی داشت. طباطبایی‌نژاد در این‌باره به «شرق» گفت: «طبیعی است در جامعه سلایق مختلف هنری وجود دارد. برخی «چنارستان» را تحسین و عده‌ای دیگر بنابر دلایلی، تقبیح کرده‌اند. من به هر دو نظر احترام می‌گذارم. اما تمایل دارم به جمله‌ای اشاره کنم که همانا شرط مسلمانی است. اینکه در قضاوت‌کردن باید عدل و انصاف را رعایت کنیم.» دبیر سینماحقیقت در ادامه افزود: «اتهام‌زدن کار راحتی است؛ اما دورکردن آدم‌ها از نظام جمهوری اسلامی، حسن نیست. افراد را از زیر چتر دین جداکردن و نگاه سلبی‌داشتن کار اشتباهی است.» مدیرعامل مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی درباره چگونگی ساخت فیلم «چنارستان» گفت: «کلید این فیلم در زمان مدیریت آقای شفیع آقامحمدیان خورد. اگر بخواهیم ایشان را تحسین کنیم در همین کار است که نگذاشت امثال آقای آفریده از فضای فیلمسازی در ایران دور شوند. ما در این دوره فقط فیلم را آماده‌سازی کردیم. واقعا حیف بود آقای آفریده که البته کم آسیب ندیده‌اند و با زحمت و تلاش و نداشتن بودجه کافی فیلم را به ثمر نشاندند این فیلم را نمی‌ساخت.»

قاب حقیقت

نقدی بر مستند «دست‌به‌مهره»

بدهکاری روزگار

فرانک آرتا

«دست‌به‌مهره»، فیلمی پرتره از زندگی کوروش حافظی است؛ مردی که در ابتدای فیلم معلوم نمی‌شود چرا فیلمساز سراغ او رفته، اما به مرور تماشاگر متوجه می‌شود به‌دلیل ابتلا به انواع و اقسام سرطان‌ها به شهرت رسیده است. با وجود سوژه بکری که فیلمساز انتخاب کرده، آن چیزی که فیلم را قابل دیدن می‌کند، ساختاری است که برای نمایش جزییات زندگی این مرد در نظر گرفته. در ابتدای فیلم، گفت‌وگوی تلفنی مردی را پشت اتومبیل شخصی‌اش می‌بینیم که به‌دنبال حل‌شدن درصد جانبازی و درست‌شدن وضعیت بیمه و حقوق بازنشستگی‌اش است. در طول فیلم با ارجاعات متنوع و متعدد به زندگی گذشته این مرد با شخصیت او بیشتر آشنا می‌شویم. هرچند که این سوژه می‌توانست تا ورطه احساساتی‌گری و درآوردن اشک تماشاگر پیش برود، اما درعوض در فیلم با وجود سیطره و سایه مرگ بر زندگی کوروش حافظی، راه‌های گریز برای زندگی‌کردن و نبرد او با طبیعت را که مصافی نابرابر است مشاهده می‌کنیم. این مرد شصت‌واندی‌ساله با همسرش ۲۰سال تفاوت سنی دارد. همسرش با وجود بیماری‌اش حاضر شده با او زندگی کند و نزدیک هفت‌سال است که زندگی مشترک خود را آغاز کرده‌اند. در حقیقت او با وجود چندین‌نوع سرطان همچنان امید به زندگی دارد. البته روایت زندگی او هم فرصتی را فراهم می‌کند تا ضمن نقد برخی نهادها، تاثیر مخرب تحریم‌ها بر بیماران یادآوری شود و همچنین سنگینی هزینه‌های درمان و کلا جامعه‌ای را که درگیر مشکلات متعدد است به دور از قضاوت‌های غیرمنصفانه شاهد باشیم. شطرنج؛ بازی موردعلاقه آقای حافظی، تاثیری دراماتیک و کاربردی در فیلم دارد، طوری که او همچون یک بازیگر ماهر و قهار سعی می‌کند مات نشود. کیش و مات در بازی شطرنج، همانا حکایت زندگی این مرد است. هربار که موفق می‌شود از یک بیماری رهایی یابد، بیماری دیگری در وجودش ریشه می‌دواند. در حقیقت ساختار فیلم، همچون پاندولی میان حرکت مرگ و زندگی در تلاطم است. آنجا که بار عاطفی فیلم روی مشکلات شخصیت اصلی متمرکز می‌شود، فیلمساز گریزی به داشته‌ها و شادی‌های او می‌زند. اما نکته جالب فیلم این است که هرچه به انتها نزدیک‌تر می‌شویم، بدون اینکه به‌وضوح تصویری مشاهده کنیم، از طریق نورپردازی و البته دیالوگ‌های آقای حافظی منتظر وقوع فاجعه‌ای هستیم. این مرد هرچند شغل اصلی‌اش دریانوردی است، اما مرکب اصلی‌اش که در فیلم دیده می‌شود، اتومبیل اوست. حتی آن زمان که همسرش پشت ماشین می‌نشیند و او کنارش، اجازه نمی‌دهد در سفرهای خارج‌شهری مثل شمال همسرش پشت ماشین بنشیند و خودش رانندگی می‌کند، چون اعتقاد دارد رانندگی در جاده خطرناک است. در پایان در میان نگاه تعجب‌آمیز پزشکان معالج، کوروش حافظی بر بیماری‌هایش غلبه می‌کند. مشکل بیمه و حقوق و درصد جانبازی‌اش حل می‌شود و همچنان علاقه دارد به زندگی خود همچون سلحشوری ادامه دهد. اما آنجا که از قول مادرش تضمین می‌کند که سرنوشت آدمی را از قبل نوشته‌اند، به این باور رسیده که اگر هم بمیرد، در سن ۶۰سالگی به مرگ طبیعی مرده و نه به‌خاطر بیماری. یا آنجا که در میهمانی منزلش دوستانش به او می‌گویند زندگی بدهکار توست، همچنان نمی‌خواهد تسلیم مرگ شود و از اتفاقات و ناگواری‌های زندگی خود ناراضی نیست. اما او نمی‌داند که مرکب او از سال‌های قبل همان سفیر مرگ اوست. در انتهای فیلم جمله‌ای خبری بازی سرنوشت را به نمایش می‌گذارد: «آقای کوروش حافظی در یکی از سفرهای خود به شمال طی حادثه تصادف جان خود را از دست می‌دهد.» اینجاست که برگ‌برنده فیلمساز رو می‌شود و در روایت خود پایانی را متصور می‌شود که: «اجل‌برگشته می‌میرد نه بیمار سخت».
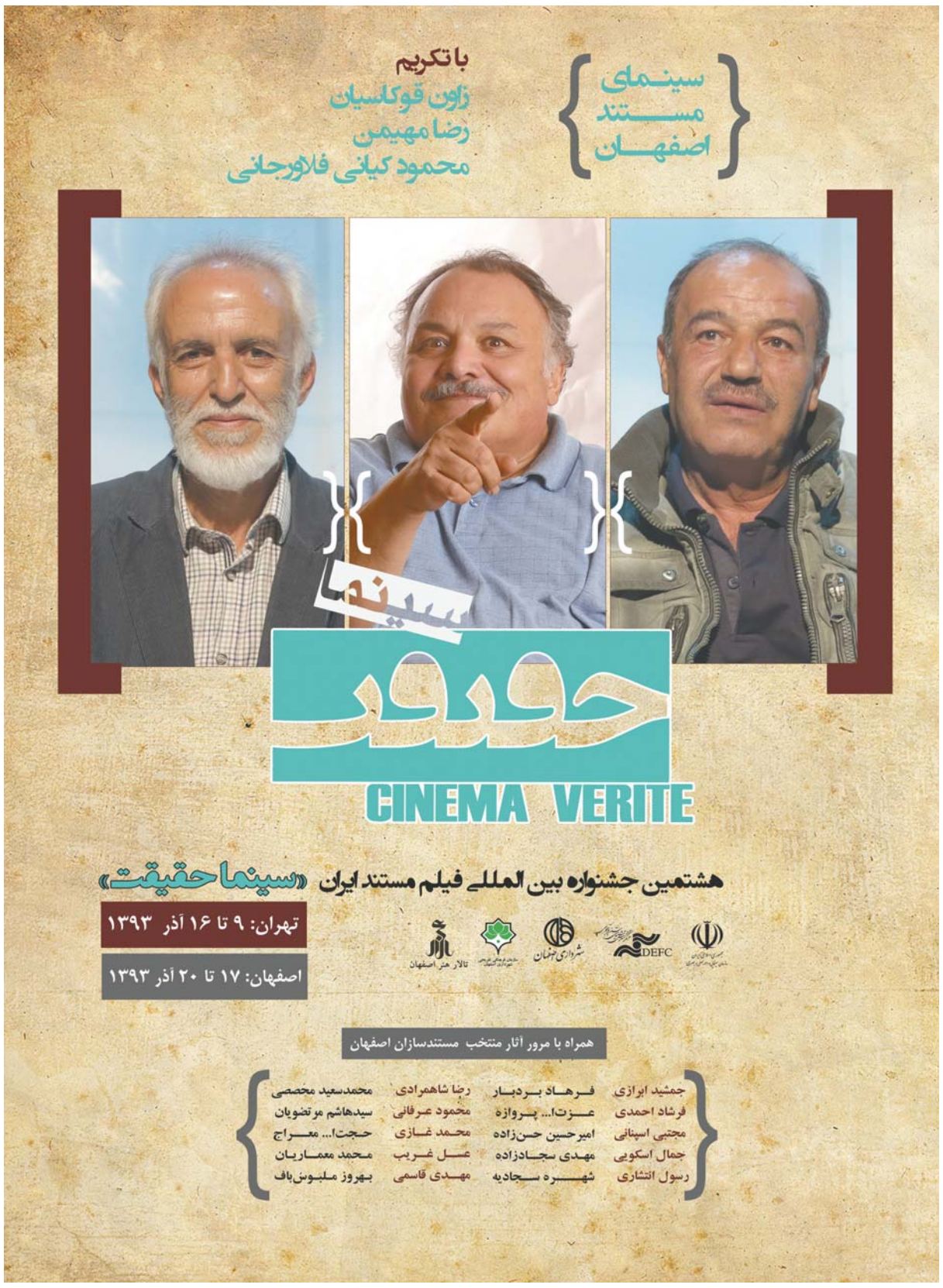
ارتباط با روزنامه شرق
SHARGHLINE
@SHARGHDAILY.IR